

# رجال صدر مشروطیت

— ۴ —

## دبیر الملک ( میرزا حسین خان شیرازی )

پسر میرزا نصرالله خان دبیر الملک معروف . سن او متجاوز از ۴۰ سال است . تحصیلات عربی و فارسی را در طهران کرده . در سابق به همان شغل پدری یعنی کارهای وزارت داخله در نزد میرزا علی اصغر خان اتابیک اعظم مشغول بود . در دوره مشروطیت ۱۳۲۷ از طرف مجلس شورای ملی بنا بهراهی مرحوم حاجی علیقلی خان سردار اسعد بختیاری که مدت مسافرت در یاریس دوست بودند از طرف مجلس وکیل گردید . اول دفعه که در دوره مشروطیت داخل کار دولتی شد در ۱۸ ربیع الثانی ۱۳۲۸ بود که در کابینه سیهدار اعظم بمعاونت وزارت داخله منصوب گردید ، و در ۱۷ رجب همان سال که کابینه میرزا حسن خان مستوفی الممالک تشکیل گردید او بوزارت پست و تلگراف بر قرار شد و بعد از دوسه ماهی غفله بفرنگستان مسافرت کرد . این مسافرت که نتیجه مختصری ترس بود که بواسطه حمله محمدعلی میرزا بطهران حادث شده بود دبیر الملک را قدری عقب برد و از استقامت او کاهید . در اوائل ۱۳۳۲ بحکومت طهران منصوب شد و بانهایت درستی و جدیت کار کرد که باعث خوشوقتی دوستان او گردید و گویا حالیه (۱۳۳۶) بهمان شغل برقرار است . در درستی و حسن اخلاق شهرت دارد .



## ذکاء الملک ( میرزا محمد علی خان )

پسر میرزا محمد حسین خان اصفهانی ذکاء الملک متخلص بفروغی صاحب روزنامه تربیت ابن آقا محمد مهدی از باب اصفهانی . تولد ذکاء الملک در سال ۱۲۹۴ هجرت است . پس از تحصیلات مقدماتی در دارالفنون طهران مشغول تحصیل طب گردید و بعد بواسطه ذوق فطری که بادیات داشت از طب منحرف گشته برشته ادبیات داخل گردید ، و بعد از چندی معلم مدرسه سیاسی طهران شد . در دوره دوم انتخابات مجلس در ۱۳۲۷ از طرف طهران وکیل شد و بعد از چندی بپریاست مجلس منتخب گردید . در دوره سیم نیز از طرف طهران وکیل گردید و بعد در سال ۱۳۲۹ بوزارت مالیه و بعد مدتی مختصر وزیر عدلیه شد و بعد بپریاست دیوان عالی تمیز منصوب ، و باز در سال ۱۳۳۲ و دفعه دیگر در ۱۳۳۳ بوزارت عدلیه منصوب شد ، و حالیه مدتی است همان شغل سابق ریاست دیوان عالی تمیز را دارد . از اشخاص باکمال جدی خوش اخلاق ایران است .



## رئیس التجار خراسانی ( آقا رضا )

پسر حاجی ابوالقاسم اصفهانی برادر حاجی محمد حسن امین الضرب مستأجر معدن فیروزه خراسان ، سن او قریب چهل سال است از ملاکین خراسان و سابقاً راه بین قوچان و مشهد را امتیاز گرفته و شوسه کرده بود و بعد بواسطه اهل مال کاری و تعمیر نکردن راه امتیاز باطل و این منفعت زیاد از دستش خارج گردید . در دوره اول مجلس (۱۳۲۵) از طرف خراسان وکیل بود

## میرزا رضا مستوفی گرکانی

آقا میرزا رضا مستوفی گرکانی پسر میرزا نصرالله مستوفی . پدرش از معارف مستوفیان ایران بوده است . سن از پنجاه متجاوز است . خودش قبل از تشکیلات جدید وزارت مالیه ، مستوفی کردستان و ساوه بود . در دوره دوم مجلس شورای ملی ۱۳۲۸ از طرف مجلس وکیل گردید . از اشخاص ظاهرالصلاح و متملق و کاملاً طرفدار سیاست قدیم و منکر اوضاع جدید است . در سال ۱۳۳۳ که قانون جدیدی برای وزارت مالیه تشکیل شد و چند نفر قرار شد که گویا برای کنترل مالیه از مجلس انتخاب شوند یکی از منتخبین مشارالیه بود و حالیه که ۱۳۳۶ است گویا بهمان شغل باقی است .

۱۳۳۶

## سالار معظم (محمد علی)

پسر رضاقلی خان نظام السلطنه پسر حیدرقلی خان برهان الدوله مافی ( مافی یکی از ایلات ساکن قزوین است ) . سن او حالیه ( ۱۳۳۶ ) تقریباً ۳۱ سال است . قریب ۱۳ سال در خارجه برای تحصیل حقوق مشغول بود . تقریباً در حدود ۱۳۱۹ از ایران بیرون رفت و بعد از دو سال بیطرسبورگ رفت و قریب هشت سال در آنجا مشغول بود . بالاخره برای تکمیل تحصیلات بسویس مسافرت کرد . پس از سه سال بهراهی نظام السلطنه از سوئیس بظهران آمد و در مدرسه سیاسی مدرس علوم مالیه شد . در سال ۱۳۳۴ که نظام السلطنه در برورد حاکم بود از ظهران برای ملاقات حرکت کرد و بهراهی نظام السلطنه و سایر مهاجرین از برورد بکرمانشاه آمد و در موقعی که هیئت حکومت ملی موقت در کرمانشاه در سال ۱۳۳۴ تشکیل شد اورئیس اداره خارجه بود . پس از تخلیه نانی کرمانشاه باسلامبول آمد و حالیه ( ربیع الثانی ۱۳۳۶ ) برای امورات ملی قریب یک ماه است که در برلین است . از جوانهای عاقل تربیت شده ایران است . در ظهران جزو نویسندگان مجله علمی بود .

## سپه سالار اعظم

ولی خان نصر السلطنه سپه دار اعظم پسر حبیب الله خان سرتیب تنکابنی ( که در تاریخ ۱۲۵۴ هجری در جنگ ایران باهرات به یک تیرتوب مجهولگی که بالاخره معلوم نشد که از طرف دوست یا دشمن بوده مقتول گردید ) . سن سپه سالار ظاهراً پیش از هفتاد سال است . سالهای متمادی حکومت تنکابن را داشت . در حدود ۱۳۰۴ سرتیب اول بود و در رشته نظام منسلک بود . در ۱۳۰۸ امیرتومان و حاکم استرآباد گردید . در دوره سلطنت ناصرالدین شاه کمتر در ظهران بود . در ۱۳۱۴ اوائل سلطنت مظفرالدین شاه بظهران آمد و اول دفعه وزیر گمرک شد و کم کم ترفی کرد و ضرابخانه را هم بر شغل خود افزود . در سال ۱۳۱۵ که دوره صدارت حاجی میرزا علی خان امین الدوله بود سپه دار هم یکی از رجال اولیه دربار بود . در سال ۱۳۱۶ و ۱۳۱۷ حاکم گیلان بود . در سال ۱۳۲۲ نانیاً باز حاکم گیلان گردید . در سابق یعنی زمان ناصرالدین شاه هم اغلب تمام گمرک گیلان را اجاره می کرد . در سال ۱۳۲۳ تلگرافخانه را که سالهای زیاد در دست مخبر الدوله مرحوم در سالی بیست هزار تومان اجاره بود در سالی دویست و سی هزار تومان اجاره کرد و از طرف خود سردار منصور را بریاست برقرار کرد و خودش بحکومت استرآباد رفت . در سال ۱۳۲۴ اول مشروطیت بواسطه اینکه پسرش در تنکابن برخلاف انتخابات کار می کرد و آخوندی را که جاهد در پیشرفت انتخابات بود چوب زده و ریش شیخ بیچاره را بریده بود این مطلب خیلی باعث یاد آوری اعمال سابق سپه دار که برخلاف آزادی کرده بود شد ، و آن این بود که قبل از انعقاد مجلس و دستخط مشروطیت که علمای طهران و تجار مشغول

درخواست این امورات بودند و در مسجد جامع تحصن بسته بودند، سپه‌دار از طرف دولت مأمور قلع و قمع متحصنین گردید و فوق‌العاده سختی به اهالی کرد، و نیز بحکم یکی از پش کاران او سیدی کشته شد. این مسائل و این حرکت پسرش در اول مشروطیت تنفیری برخلاف او در دل مردم گذاشت و مسئله چوب زدن شیخ در مجلس باعث هیجان و کلا گردید. پس از توب بستن مجلس در سال ۱۳۲۶ سپه‌دار از طرف محمدعلی میرزا رئیس اردوی آذربایجان و مأمور متفرق نمودن مشروطیون در تبریز گردید. پس از چندماه توقف در خارج شهر و ناسازگاری با عین‌الدوله فرمان فرمای آذربایجان متغیراً به تنکابن مراجعت و ندای عدالت خواهی را بلند و انجمنی هم به اسم (انجمن عدالت) تشکیل نمود. در اول سال ۱۳۲۷ که مجاهدین رشت را تصرف کردند و آقا با الاخان حاکم رشت را کشتند بنا به مکتوباتی که به سپه‌دار نوشته بودند سپه‌دار برشت وارد شد و با مجاهدین همقدم گردید. بالاخره پس از فتح طهران (در ۲۳ جمادی الآخر ۱۳۲۷) و عزل محمدعلی شاه سپه‌دار اول شخص ایران شد. اگرچه ظاهراً رئیس ملیون بود و آزادی خواهی را پیشه خود اظهار می‌کرد ولی معنای برخلاف ملیون اقدام می‌کرد و می‌شود گفت اول نفاق که در مشروطیون پس از فتح طهران آشکار شد باغش سپه‌دار بود. در ۲۸ جمادی الآخر ۱۳۲۷ در اول کابینه وزیر جنگ شد و در رمضان همان سال رئیس الوزرا شد و الی سال ۱۳۲۸ برخلاف اشخاص اعضاء کابینه رئیس الوزرا بود. در هفتم رجب ۱۳۲۸ کابینه سپه‌دار معزول و کابینه میرزا حسن خان مستوفی‌الممالک سرکار آمد. در این موقع سپه‌دار و حاجی علی قلی خان سردار اسعد از طرف مجلس وکیل گردیدند. در دهم ربیع الاول ۱۳۲۹ باز کابینه در تحت ریاست سپه‌دار تشکیل شد. خودسری‌های سپه‌دار در ایران یکی از مسائل معروف ایران است. چوب زدن شخصی مثل سهام‌الدوله حاکم سابق فارس را برای معامله شخصی در صورتیکه در آن موقع سپه‌دار مصدر هیچ شغلی نبود. همین‌طور کتک زدن میرزا ابوالقاسم عارف‌را در بازار بعنوان اینکه شعری بر ضد او گفته است معروف تمام طهران است. در سال ۱۳۳۱ در موقع طغیان صمدخان شجاع‌الدوله در آذربایجان سپه‌دار حاکم آذربایجان شد ولی چون نتوانست کاری بکند بعد از چند ماهی مراجعت کرد. در سال ۱۳۳۴ در بیست و هشت ربیع‌الثانی رئیس الوزرا شد و به لقب سه‌سالار اعظمی نیز نائل گردید. در این دوره ریاست دیگر خیانت کاری خود را علناً بر همه ایرانیان آشکار کرد. تصدیق کنترل انگلیس و روس در مالیه ایران در این دوره ریاست او واقع شد. بالاخره سپه‌دار اعظم یکی از شخصان نمره اول خائن ایران است. تصرف املاک خالصه استرآباد بعنوان داشتن فرمان از ناصرالدین شاه و اجازه دادن املاک خود را به روس‌ها و برافراشتن بیروق روس در املاک خود و تصرف (شیرگاه) بلوک معروف مازندران که جزو خالصه جات دولتی است بعنوان اینکه از میرزا کریم خان بنان‌الدوله خریده‌ام که او فرمان داشته است، و سایر چیزهای دیگر خیانت سپه‌دار اعظم را بر اهالی بیطرف ایران ثابت کرده است. تمول او بواسطه همین اقدامات به منتها درجه رسیده است و بعد از ظل‌السلطان در ایران گویا اول شخص متمول باشد.

### ستارخان (سردار ملی) مرحوم

مجاهد معروف و مدافع مشهور تبریز در سال ۱۳۲۶ - پس از بستن مجلس شورای ملی سلطان عبدالمجید میرزای عین‌الدوله از طرف محمدعلی میرزا طرد و دستگیر کردن مشروطه طلبان تبریز و آذربایجان مأمور گردید. اول کسی که در تبریز بنای مقاومت را گذارد و مردم را تحریک بر ضد اردوی دولتی کرد ستارخان بود. تقریباً يك سال در تبریز به راهی سایر مجاهدین و باقرخان سالار ملی باقوای منظم دولت زدو خورد کرد و نگذاشت شهر تبریز بدست طرفداران محمدعلی میرزا

بیفتند. قبل از مشروطیت در ادارات حکومتی شغل فراشی داشت و عنوان نداشت. آدم جسور باعزمی بود. در سال ۱۳۲۹ که قوای دولتی در طهران برای خلع اسلحه مجاهدین بیارک اتابک اعظم حمله کردند ستارخان هم آنجا جزو سایر مجاهدین بود. بدون اینکه ضارب معلوم شود تیری پیاپی او خورد و مجروح گردید و از همان سال علتی در مزاج او حادث گردید و در سال ۱۳۳۲ در طهران مرحوم گردید. سن او قریب ۴۵ سال بود.

### سردار اسعد (حاجی علیقلی خان بختیاری)

حاجی علیقلی خان سردار اسعد بختیاری پسر حسینقلی خان ایلمخانی است. پدرش در سال ۱۲۹۹ در اصفهان بر حسب امر شاهزاده مسعود میرزای ظل السلطان مقتول گردید. سن خود سردار اسعد شصت و دو سال بود. در محرم ۱۳۲۶ در طهران مرحوم شد. مشارالیه در اوایل عمر در بختیاری و اصفهان زندگی میکرد. پس از فوت پدرش مدتی در حبس ظل السلطان بود. بعد به همراهی میرزا علی اصغر خان اتابک اعظم از حبس خلاص شد و بطهران آمد و برای دفع شر ظل السلطان خودش را بمیرزا علی اصغر خان بست و مدت زیادی در اروپا خصوصاً در پاریس اوقات خود را گذراند و در ترجمه و نشر کتابهای مفید خیلی کار کرد. کتاب تاریخ بختیاری که یکی از کتب معتبره ایران است بزحمت او تمام شده. همچنین... (۱)

### سردار افخم (آقابالاخان معین نظام و کیل الدوله)

از بستگان مخصوص کامران میرزای نایب السلطنه بود. سن او قریب به پنجاه سال بود. سابقاً در قضیه «رزی» کمیانی انحصار دخانیات در عهد ناصرالدین شاه که اهالی ایران بر حسب حکم مرحوم حاجی میرزا حسن شیرازی استعمال دخانیات نمیکردند و روزی بطرف دربار ناصرالدین شاه حمله کردند آن تاریخ که سال ۱۳۱۲ بود آقابالاخان معین نظام و کیل الدوله لقب داشت و رئیس فوج مخصوص طهران بود. بر حسب امر کامران میرزا فرمان شلیک داد و جماعتی از مردم بیگانه را مقتول و مجروح کرد. از آن تاریخ بدنام و کینه آقابالاخان در دل اهل طهران پیدا شد. در زمان سلطنت مظفرالدین شاه بنابر پیشنهاد کامران میرزا گاهی بحکومت میرفت تا در سال ۱۳۲۶ که حاکم رشت بود در روز اول انقلاب رشت که در محرم ۱۳۲۷ بود در دست مجاهدین معز السلطان سردار محبی مقتول گردید.

### سردار بهادر (جعفرقلی خان بختیاری)

پسر حاجی علیقلی خان سردار اسعد پسر حسینقلی خان ایلمخانی بختیاری. پس از فتح طهران بدست احرار در سال ۱۳۲۷ هجری به همراهی یفرم خان مجاهد معروف برای سرکوبی اشرار اردبیل بریاست آزدوی سیار نامزد گردید و در آن سفر خدمت نمایانی نمود و از عهده خدمت خود بخوبی برآمد و از همین جهت بود که قدری محبوبیت پیدا کرد. سن او بیش از ۳۵ سال نیست و حالیه که محرم ۱۳۳۶ است حاکم عراق است.

### سردار شجاع

پسر محمد باقر خان شجاع السلطنه سردار کل. سن او هنوز بسی نرسیده. تحصیلات خود را

در برلین در رشته نظامی کار کرده است. در حدود سال ۱۳۳۲ بطهران آمد و پس از یک سال داخل اداره ژاندارمری گردید. در موقعی که در سال ۱۳۳۵ ژاندارمری در حدود کردستان با قشون روس می‌جنگیدند او بکردستان آمد که بطهران برود، رئیس قشون او را دستگیر کرد و از آنجا بدون تعطیل بروسیه فرستاد که در آنجا محاکمه شود و گویا هنوز که (۱۳۳۶) است در روسیه است.

### سردار سعید (یارمحمد خان - آجودان باشی)

پسر حسن خان سیف السلطنه سردار کل خلیج. (خلیج بلوکی است در اطراف طهران نزدیک ساوه). سن او قریب به ۳۸ سال است. تحصیلات خود را در طهران در دارالفنون و مدرسه نظامی کرده. سابقاً در وزارت جنگ مستخدم بود. در سال ۱۳۲۶ رئیس قوای آذربایجان گردید و بتبریز روانه گردید. پس از انقلاب تبریز بفرنگستان رفت. در سال ۱۳۲۷ بریاست قشون خراسان منصوب شد و بمشهد آمد و در آن مأموریت خیلی بدردستی و صحت رفتار کرد که اغلب اهالی تعجبید او را می‌نمودند. در دوره سوم مجلس شورای ملی در تاریخ ۱۳۳۲ از خراسان وکیل شد و بطهران آمد. در محرم ۱۳۳۴ با سایر مهاجرین از طهران حرکت کرد و حالاً که صفر ۱۳۳۶ است در اسلامبول متوقف است.

### سردار معظم (عبدالحسین خان معززالملک)

پسر حاجی کریم دادخان بجنوردی. سن قریب ۳۵ سال است. تحصیلات خود را در فن نظام در بطرزبورک نموده. در دوره دوم مجلس شورای ملی (۱۳۲۷) از طرف خراسان وکیل و بعد از تعطیل مجلس در ۱۳۲۹ بریاست نظام خراسان منصوب و در دوره سیم (۱۳۳۳) نیز از طرف خراسان بوکالت مفتخر گردید. و حالیه که صفر ۱۳۳۶ است گویا در طهران است.

### سردار مقتدر (عبدالحمیدخان یهین نظام کاشی غفاری)

(غفاری طایفه درکاشان است و میگویند نسل آنها از ابوذر غفاری است). سن او قریب به ۵۰ سال است. از تحصیل کردهای نظامی در اسلامبول است و گویا در فن توپخانه بهتر از سایر محصلین تحصیل خود را تکمیل کرده است. زبان ترکی اسلامبولی را خوب حرف میزند. در حدود سنه ۱۳۱۵ (هزار و سیصد پانزده) بایران آمد و در حدود سال ۱۳۲۱ برای تحدید حدود سیستان و رودهمند جزو کمیسیون که برای این کار انتخاب شده بود حرکت کرد. از قراری که شهرت دارد در آن سفر خدمتی نکرد بلکه برعکس خیانت کرد و حقوق ایران را باطل نمود. در موقع طلوع مشروطیت از رفقای مخصوص علی خان سردار ارشد (که بعد جزو دسته مخصوص محمدعلی میرزا گردید و در حمله محمدعلی میرزا بطهران در تاریخ ۱۳۲۸ مقتول گردید) بود و خودش را از مشروطه طلبان با حرارت بقلام میداد. بعد از توپ بستن مجلس در ۱۳۲۶ او هم چند روزی در حبس مستبدین بود. پس از فتح طهران در ۱۳۲۷ جزو مشروطه طلبان بود. در سنه ۱۳۳۳ بمعاونت وزارت جنگ منصوب گردید. در موقعی که مهاجرین در محرم ۱۳۳۴ از طهران حرکت کردند او هم با عمر فوزی بیگ «آتاشه میلیتر» سفارت عثمانی از طهران بکرمانشاه رفت و در دفعه دوم که او اواخر ۱۳۳۴ بود و ایرانیها با قشون عثمانی کرمانشاه را از قشون روس پس گرفتند او رئیس قشون شد و ریاست کل را پیدا کرد و پس از حمله مجدد روسها بدون خبر او از طرف قشون دوست بنشمن پیوست و بطهران رفت (؟)